

# باهوشیاری و اتحاد می توان توطئه های ضد انقلاب را عقیم گذارد

مامطعمیم که با هشیاری و اتحاد میتوان توطئه های ضد انقلاب را عقیم گذارد.  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۹۳۰۱۱

جلوگیری کنند. ما از مقامات مسئول نیز مطالبیم که به وظایف خود در جلوگیری از تشنج و درگیری و حمله به مراکز احزاب و سازمانهای سیاسی قاطعانه عمل کنند.

مادراینجا نیز باید یکی از همدم مردم ایران و از همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنان مطالبیم که با هشیاری، متانت، آرامش و استواری از هر گونه تشنج و درگیری

آن برای شورای انقلاب، ریاست جمهوری، مجلس شورای ملی، سپاه پاسداران، دادستانی کل انقلاب اسلامی و وزارت کشور ابراهیم، هشدار خود را در این زمینه تکرار و تأکید کرده است.

توطئه چینیانکارانه و خائنانه خود را جمله در نظر دارد که به مراکز حزب توده ایران حمله کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه ای به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران، که در توشه

های ۱۴ و ۱۵ خرداد ماه، با ایجاد تشنج و درگیری، محیط را برای پیش بردن نقشه های خود در جهت تشدید تفرقه و نفاق بین نیروهای انقلابی و تضعیف انقلاب، آشفته سازد. ضد انقلاب در اجرای

هما نظر که در اعلامیه های کمیته مرکزی حزب توده ایران مورخ ۵۹/۳/۱۰ و ۵۹/۳/۱۰ هشدار داده شده است، ضد انقلاب به کمک همکاران و متحدانی که در همه جا دارد، میخراهد که در روز

## پاکسازی کامل دستگاه دولتی تأخیر ناپذیر است

پس از ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب می گذرد هنوز دستگاه دولتی نوسازی نشده که سهل است، پاکسازی نیز چنانکه باید نشده است. میگوئیم چنانکه باید، پاکسازی نشده، زیرا تاکنون برخی اقدامات به صورت اخراج، صدور احکام بازنشستی و یا باز خرید نسبت به برخی افراد، چه در ارتش و دیگر نیروهای مسلح و یا ادارات دولتی انجام گرفته، ولی ملاک عمل چنان بوده و یا کمیسیونهای پاکسازی چنان رفتار کرده اند که حالا در نظر است کمیسیونهای دیگری تشکیل گردند، تا تعداد مهمی از افرادی را که در معرض پاکسازی قرار گرفته اند، دوباره به کار واره خود بازگردانند. و نیز تاکنون افرادی را بدلیل گرایشهای ایدئولوژیک و نه سابقه «طاغوتی» و یا موضوعی سیاسی نسبت به انقلاب، از دستگاه دولتی، بویژه از دستگاه آموزشی، اخراج کرده اند. در مجموع میتوان گفت که نه پاکسازی و نه چنانکه باید، انجام نگرفته، بلکه حتی در جریان آن پاکسازی دسیسه نیز گه انجام گرفته، در گه های

## مسئله ارضی، دهقانان و شورای انقلاب

در صفحات بعد  
این همان خط «گام به گام» نیست؟!  
مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند اداره مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را بر عهده گیرند  
کارگران نانوالی های اراک از نداشتن سندیکا رنج میبرند  
مسائل کارگری - صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۹  
دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۱۵

# در کنفرانس بین المللی برای بررسی مداخلات آمریکا در ایران

### امپریالیسم آمریکا باید جوابگوی شهادت دهها هزار نفر از بهترین فرزندان ایران و تاراج صدها میلیارد دلار دسترنج مردم ایران باشد

آدم کشی، ستم، فساد و خیانت پستو آمدند و برای سرنگون کردن رژیم شاه پهلوی خاستند، شاه مخلوع و رژیم او تا آخرین لحظه مورد حمایت امپریالیسم آمریکا بودند که این حمایت برای مردم ایران به بهای جان بیش از هفتاد هزار شهید و یکصد هزار مجروح و معلول تمام شد. اینها شهادت از فسادها، تهاجمها، خیانتها و جنایاتی است که در ارتباط با مداخلات مستقیم امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، باید تا آخرین گوشه های آن افشا شود.

دسترنج زحمتکشان محروم و گرسنه زمین ما باقی نماند، و تا مدتی نیز باین هدف به حدی، که برای آن رشایت بخش بود، دست یافت. میلیونها مردم زحمتکش زمین ما میبایست همچون بردگان مورد بهره برداری و بهره کشی قرار بگیرند، و خون آنها به راه خون هزاران نفر از برداران روشنفکر و ضدالتمار آنها میبایست ریخته آید. این اسارت مادی و معنوی بشود، تا انحصارات بین المللی آمریکائی، بخصوص در گروه آنها، یعنی انحصارات نفتی و انحصارات اسلحه سازی، قارغ از هر گونه اندیشه مزاحمت، هست و نیست ایران را غارت کنند. شاه مخلوع از طرفی بعنوان خریدار و از طرف دیگر بعنوان حواله کار کارخانه های اسلحه سازی، با پول حاصل از دسترنج زحمتکشان ایرانی، بیش از شصت میلیارد دلار بجهت این کارخانه ها ریخت و خود معادل این مبلغ را از خزانه دولت چایید و در بانکهای خارج و بطور عمدتاً بانکهای آمریکا بامانت سپرد.

دوران طولانی و بدون انقطاع تشدید روزافزون اختلاف و فشار، سلب تمام حقوق و آزادیهای مردم، هجومی ایلغارگرانه و شانه به شانه برای شکار مخالفین آغاز گردید. امپریالیسم آمریکا اعمال این شیوه های فاشیستی، این کشتارهای قبیح، این نابود کردن خاندانها را بدست یک سازمان تبهکار وابسته به «سیاه» بخاطر خود این کشتارها نمیخواست. امپریالیسم آمریکا به دست شاه مخلوع و سازمان امنیت وی، زمین ما را بتمام معنی کلمه به آتش کشید، تا هیچگونه رادع و مانعی در راه اجرای هدف اصلی آن، یعنی قارغ بی دردمس تروت و سرپوش گذاشتند.

۱۴ خاندان پهلوی ننگ و غارت و جنایت و خیانت را در ذهن هر شنونده و گوینده زنده می کند. این ۱۴ نموداری بوده است از نیم قرن نظام تروریستی، آدمکشی، چپاول، قانون شکنی، ارباب و تاراج هست و نیست مردم بدست دو دیکتاتور و جنایتکار این خاندان پهلوی و پسر هر یک از این دو دیکتاتور، که برای خلق ما یک راهزن چاقی و غدار، یک چنگیز بودند، پس آستان آفرینندگان خود بندهوار چین بر خاک میسایندند.

## تحریکات و تجاوزات رژیم بعثی عراق در مرزهای ایران را بشدت محکوم میکنیم

ایران خشم و نفرت شدید همه مردم مبین دوست، استقلال طلب و آزادیخواه ما را برانگیخته است. توده های زحمتکش، همجا آمادگی خود را جهت دفع حملات و تجاوزات دشمن و دادن جواب دندان شکن باو اعلام می کنند. مردم ایران به نام تحریکات و مسایر رنگارنگ و بی دبی دشمن نیافزاده بسا حشاشیاری انقلابی و عزم راسخ اینگونه نقشه ها را نقش بر آب میسازند.

## آزادی مسئولان دولتی کردستان، اقدام مثبتی در جهت کاهش تشنج در کردستان است

۸ تن از مسئولان دولتی و غیر دولتی در کردستان، که دستگیر شده بودند، آزاد شدند. ما ضمن تأیید این اقدام مثبت که گامی در جهت کاهش تشنجات در کردستان است، امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران با برداشتی فوری گامهای جدی دیگر، چون اعلام طرح مصوب ۶ ماده ای و اعلام آتش بس، قطع محاصره اقتصادی کردستان و... چنگ برادر کشی در کردستان راه، که جز بسودامبر ایالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق تمام نمیشود، خاتمه دهند و اتحاد ضد امپریالیستی کلیه خلقهای ایران را تأمین کنند.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم



# این همان خط ((گام به گام)) نیست؟!

**آقای منصور فرهنگ، نماینده ایران در سازمان ملل متحد دو مصاحبه، یکی با روزنامه کیهان (۵۹۲۳۳۱) و یکی با روزنامه انقلاب اسلامی (۵۹۲۳۳۰) انجام داده‌اند، که مضمون کلی آنها بغض‌آلود و با گروگانگیری، جاسوسان آمریکایی، مخالفت با محاکمه آنها و ارائه دلیل در جهت اثبات لزوم آزادی آنهاست. ملازم میدانیم مطالبی را که آقای منصور فرهنگ بیان داشته‌اند، مورد بررسی قرار دهیم، چون بیانات ایشان با ارزیابی سیاست دولت آمریکان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نسبت به آمریکا ارتباط مستقیم دارد.**

ولی قبل از بررسی اظهارات ایشان، ابتدا لازم میدانیم به دو نکته اشاره کنیم: نکته اول اینکه، بنظر ما، هر شخصی و یا شخصیتی که مقام رسمی نباشد، حق دارد نظرات شخصی خود را در مورد هر مسئله، از جمله مسائل سیاسی، مانند مسئله گروگانگیری، و غیره بیان دارد. ولی بیانات یک مقام رسمی باید انعکاس و درجهت سیاست دولت متبوعی باشد که آن مقام نماینده و سخنگوی آنست. آقای منصور فرهنگ متأسفانه دریانات خود این اصل را رعایت نکرده است. اظهارات غیررسمی از جانب یک مقام رسمی (که متأسفانه گوئی معمول شده) بدینوسیله باعث اغتشاش در افکار مردم نسبت به سیاست رسمی میشود و این شواهد را در افکار عمومی مطرح میکنند. پس سیاست رسمی چیست و آیا اساساً یک سیاست رسمی سنجیده وجود دارد یا نه؟

نکته دوم اینکه آقای منصور فرهنگ اظهار داشته‌اند: «نظری که دکتر یزدی در این مورد (دروود گروگانها و محاکمه آنها) داده ... نظر درستی است. ما باید آمریکارا محاکمه کنیم نه گروگانها را». پاسخ به این انساب با خود آقای دکتر یزدی است. اما آقای دکتر یزدی در مصاحبه منطقی که با روزنامه کیهان انجام داده‌اند و در شماره ۵۹۲۲۷ این روزنامه چاپ شد و مابقی بیاناتی از آنرا در مورد محاکمه گروگانها و آمریکا در نامه «مردم» (۵۹۲۳۳۱) بازگو کردیم و مورد تأیید قرار دادیم. اظهار داشته‌اند که:

«... محاکمه آمریکا نمیتواند و نباید به معنای محاکمه همین چند نفر آمریکایی گروگان باشد، بلکه محاکمه این گروگانها (باید) مقدمه و پهنای برای عملکرد ۲۶ ساله دولت آمریکا در ایران باشد... ممکن است محاکمه اصلی (محاکمه آمریکا) با محاکمه گروگانها شروع شده و یا گروگانها بتوانند شهود در محاکمه حاضر شوند. اما بهرحال باید محاکمه صورت پذیرد. هر گونه اشتباهی در این مورد یک اشتباه و یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود. آزادی گروگانها بدون محاکمه آمریکا یک اشتباه است. محاکمه گروگانها که صرفاً محاکمه خود آنهاست، اشتباه است. محاکمه گروگانها به شرط محاکمه شاه در دادگاه بین‌المللی نیز اشتباه است... بدینسان نظری که آقای دکتر یزدی در این مصاحبه اظهار داشته‌اند، مبنی بر لزوم محاکمه گروگانها است، متأسفانه محاکمه آمریکا سرفا محاکمه خود گروگانها نباشد، بلکه بسبب محاکمه عملکرد آمریکا در ایران، در مدت ۳۶ سال سلطه این امریالیسم هارو جهانخواه بر کشور ما ارتقاء یابد.

بستخود دیگر، اگر محاکمه گروگانها مقدمه محاکمه آمریکا باشد، ما باید این نظر موافق و آرا تأیید میکنیم. اینک به بررسی اظهارات آقای منصور فرهنگ میرزانیم. برخی از این اظهارات را بازگو میکنیم:

«مسئله گروگانها (گروگانگیری) از دیدگاه قانونی و معنوی قابل دفاع نیست... اما بیستم چگونه ساله راه که بهرحال پیش آمده، در چارچوب هدفهای معنوی و سیاسی و اقتصادی خود حل کنیم... باید آمریکارا محاکمه کنیم نه گروگانها را، چون گروگانها نماینده آمریکا نیستند. بیژن در مورد چهار یانچنفر آنها که استادی درست است، بقیه کارمندان دونه پاره و عده‌های مامورین حفاظتی میباشد، که از طبقات محروم آمریکا هستند. بنابراین ما نمیتوانیم آنها را بعنوان افراد نمایندگان امریالیسم بدانیم.»

(کیهان ۵۹۲۳۳۱) «گروگانگیری بهانه فریبنده‌ای است که دستگاه تبلیغاتی امریالیسم داده که اکثر عمومی آمریکا و حتی اروپا را علیه ما

گروگانگیری انجام نمیکرد، نه دستگاه تبلیغاتی آمریکا علیه ایران به چرخش می‌افتاد، نه آمریکا درصدد «تضمین» انقلاب ایران برمی‌آمد، نه تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا مطرح و اعمال میشد، نه اروپای غربی و ژاپن و کانادا و استرالیا یا آمریکا همکاری میکردند، نه سیاست آمریکا به راست گرایش پیدا میکرد... خلاصه امریالیسم، پس‌گردگی امریالیسم آمریکا، کمترین اقدامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام نمیداد، آمریکا حقایق نوین مولود انقلاب ایران را با طبع خاطر می‌پذیرفت و امریالیسم آمریکا، دیگر امریالیسم آمریکا نمی‌بود و مسا هیچ دغدغهای از جانب آمریکا نمیداشتیم! اگر اظهارات آقای فرهنگ را بپذیریم، آنگاه باید قبول کنیم که: خصوصاً آمریکا نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از اینجا ناشی شده که ما با عمل غیر-قانونی و غیرمعنوی و غیرانسانی، گروگان-گیری به سمت آمریکا «بهانه» داده‌ایم!

ولی این فرهنگ در عین حال قبول دارد که آمریکا باید محاکمه کرد، یعنی جنایات و غارتگریهای بی‌حسابی که در مدت ۲۶ سال اخیر در ایران انجام داده، فاش ساخت. اگر استدلال قبلی آقای فرهنگ را بپذیریم، نوقت این سؤال مطرح میشود که: آیا این محاکمه «قانونی» است؟! آیا این محاکمه «بهانه» دیگری نیست؟! نخواهد داد!

بنظر میرسد که اظهارات آقای فرهنگ (باید صریح کنیم که ما با تشخیص آقای فرهنگ کاری نداریم، بهمانگونه که شخص آقای سیدی بازرگان کاری نداشتیم) این، بلکه نظریات آقای فرهنگ را میخواهیم مورد بررسی نقادانه قرار دهیم. نظریات ایشان مبتنی بر شناخت امریالیسم آمریکا، شناخت ماهیت جهانخواهانه امریالیسم، شناخت سیاست سلطه جویانه، غارتگرانه و تجاوزکارانه امریالیسم، به سرکردگی امریالیسم آمریکا، مبتنی بر این واقعیت نیست که امریالیسم وید راسی آن امریالیسم آمریکا، دشمن آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران، و فقط انقلاب ایران، دشمن آشتی‌ناپذیر هر انقلاب رهاختی دیگری بوده، هست، و باقی است، خواهد بود.

و اگر نگرش نسبت به مسائل، بر مبنای شناخت ماهیت و سیاست امریالیسم و از دیدگاه منافع انقلاب ضد امریالیستی ایران، درجبت حفظ و تمهین این انقلاب و برای تأمین استقلال واقعی ایران باشد، آنگاه نظریات آقای فرهنگ بدست می‌آید.

ما اگر بر این مبنا و از این دیدگاه، بعمل «گروگانگیری» بنگریم، آنگاه بدرستی میتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که: آیا این عمل «قانونی» و معنوی و انسانی» بوده است یا نه، زیرا ابتدا برای ما مشخص است که آنچه که از نظر نمایندگان امریالیسم مستکر و غارتگر، قانونی و معنوی و انسانی است، از نظر خلق ستمدیده و غارت شده غیرقانونی و ضد اخلاقی و ضد انسانی است. و الا از نظر نمایندگان امریالیسم، نه فقط عمل «گروگانگیری»، بلکه حتی خود انقلاب ایران «غیرقانونی» و «غیرمعنوی» بوده است و در زمین سفاک و خائن پهلوی قانونی و انسانی! این بطور کلی و اساسی.

اما بطور منجز و مشخص، اگر موازین بین‌المللی را در نظر بگیریم و بر این مبنا عمل «گروگانگیری» را «غیرقانونی» بدانیم، تازه باید باین سؤال پاسخ دهیم که: چه کسی ابتدا این «قانون» را نقض کرده است؟ مگر روشن نیست که سفارتخانه نباید جاسوسخانه باشد؛ مگر پاسند قاضی تشنه است که در این «سفارتخانه» گذرنامه‌های جعلی تهیه میشده است؟ در مورد جاسوس بودن کارمندان این سفارتخانه تردیدی نیست. لااقل حتی به تصدیق آقای فرهنگ «در مورد چهار یا پنج نفر آنها استادی درست است». این سفارتخانه مرکز توطئه بوده است و لذا این دولت آمریکاست که «قانون» را نقض کرده و بنابراین جلوگیری از نقض قانون، عملی است قانونی.

دستگاه تبلیغاتی امریالیسم فغان بر آورده که عمل «گروگانگیری» غیر انسانی و غیر معنوی است، ولی این همان دستگاه تبلیغاتی است که اسارت خلبانان آمریکایی در ویتنام را هم غیر انسانی، بی‌انصافانه و بی‌انصافانه خواند و بر سر زبان و کورداکن ویتنامی، آنهم بدست قریب به ده سال، بمقداری بیش از تمامی بمب‌هایی که

در جنگ دوم جهانی بکار رفته بود، دانجام وظیفه «دراه آزادی» خلق ویتنام «از چنگال کمونیسم» کجاست آن جنایات فجیعی که امریالیسم بنام «آزادی» و بنام «انسانیت» انجام نداده باشد، و کجاست آن واکنش بر حق و عادلانه و انسان دوستانه خلقها، که از جانب امریالیسم ددمنشی غیر انسانی، قلمداد نشده باشد.

عمل «گروگانگیری» بدست امریالیسم آمریکا «بهانه» داده است؛ اگر این «بهانه» نبود، مگر آمریکای چنانیکار برای توجیه اقدامات خود علیه انقلاب ایران «بهانه» دیگری نمی‌یافت؟

مگر مجازات چند چنانیکار طانغوتی از نوع نصیریبا و هویداها، برای امریالیسم آمریکا «بهانه» تشنه که فریاد برآورد «رژیم خمینی رژیم تروریستی» است، غیرقانونی و غیرانسانی است؛ مگر رژیم آئندگروگانگیری کرده بود، مگر رژیم مصدق گروگانگیری «خلیج تونکن» را بدو غ تبارید تا «بهانه» حمله به ویتنام دموکراتیک را بدست آورد؟

شما «بهانه» ندهید، امریالیسم هارو چنانیکار آمریکا خود «بهانه» خواهد داشت. بزرگترین «بهانه» آمریکا خود انقلاب ایران است، و اگر قرار بود که ما برای نشان «بهانه» مندرجه آمریکا در ایران، دست روی دست بگذاریم و باین قدرت جهانخواه به مبارزه نپردازیم، اساساً میبایستی انقلاب نکنیم. میبایستی یک شروطیت بدون شاه درست کنیم یا تضمین منافع غارتگرانه آمریکا در ایران!

افکار عمومی در آمریکا و اروپای غربی علیه انقلاب ایران بخرم آمده است؛ تا حدودی آری. ولی مگر این خشم حاصل دستگاه تبلیغاتی عظیم امریالیسم نیست که بلافاصله بعد از انقلاب ایران و حتی در جریان نضج و احتلاقی آن به چرخش افتاد و نه فقط بعد از «گروگانگیری»؛ هدف از این تبلیغات، تهیه افکار عمومی علیه انقلاب ایران است، تا هر عمل توطئه گرانه و هر تجاوزی که از جانب آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی نشاندگانی، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد، «مقبول» واقع شود.

تازه امریالیسم، آنگاه که ناقض اقتضا کند، کمترین توجیهی به این «افکار عمومی» ندارد، زیرا هر نظریه، با دستگاه تبلیغاتی عظیم فریبکار خود، میتواند «افکار عمومی» دیگری در جهت توجیه سیاست خود بسازد. بعنوان مثال در انگلستان همین دستگاه تبلیغاتی، خشم مردم را بپیش از هر کشور دیگر اروپایی علیه انقلاب ایرا ن بسیج کرده بود. ولی دولت انگلستان ناگهان اعلام کرد که تصمیمات کنفرانس ناظر در مورد تحریم اقتصادی ایران، که خود پیشنهاد کرده بود، اجرا نخواهد کرد. دولت انگلستان، ممانند هر دولت امریالیستی دیگر، مجری اراده انصارات امریالیستی است و نه افکار عمومی.

بیانات دولتهای امریالیستی- مجریان اراده انصارات امریالیستی- ضد وجود دارد؛ تا حدودی آری. ولی این تضاد یارقابت، در دهه اخیر، آنهم «برای اولین بار» پس از «گروگانگیری» بوجود نیامده است. این تضاد بر سر غارت جهان و تقسیم غنائم، از آغاز سرمایه‌داری و بویژه نیروهای فساد سرمایه‌داری به سرمایه‌داری امریالیستی بوجود آمده و گاه حتی به چنگ بین آنها منجر شده است. ولی دولتهای امریالیستی، که بر سر سلطه بر خلقها و غارت آنها بایکدیگر تضاد و رقابت دارند، آنگاه که مسئله بر سر سرکوب جنبش آزادیبخش و یا انقلاب رهاختیبخش بیوزمند خلقی مطرح است، بایکدیگر متحد میشوند. از اینروست که دولت‌های اروپای غربی، ژاپن، کانادا و استرالیا برای تحریم اقتصادی ایران و برای هرگونه عمل دیگری که بتواند منافع ایران را در هم بشکند، دست در دست آمریکا میکنند و در چارچوب امکان، از تضاد منافع انصاراتی که مجری اراده آنها هستند، صرف‌نظر میکنند. بالاخره آن، دولتهای امریالیستی و در اس آنها آمریکا، حتی میتوانند از منافع فعلی خود برای منافع آنی خود، که بزرگتر باشد، تا حدودی و تا زمان معینی صرف‌نظر کنند.

تحریم اقتصادی ایران امروز البته به منافع آنی خود آنها نیز زیان وارد میکند، ولی اگر انقلاب ایران را بتوانند درهم بشکنند و مجدداً سلطه غارتگرانه خود را در ایران برقرار سازند، آنگاه این زیان موقت را

# مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند اداره مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را بر عهده گیرند

قراردادهای یک جانبه تحصیل شده از حساب انحصاری تک ملیتی و چندملیتی یکی دیگر از مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. هم اکنون در طرح پتروشیمی که در صورت تعیین تکلیف آنها، میتواند گرهی از مشکل اشتغال بگشاید.

این قراردادها - مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن، در نامه مردم نوشته و با ارائه آرقم انکارناپذیر خصلت نواستعماری آنرا قاضی ساختیم. در این مقاله ما خواستار الفای قرارداد شدیم. متأسفانه برخیها مسئله الفای قرارداد را با ادامه کار ساختمان این مجتمع بسزیرک «استیفاء» کردند و به ما خرده گرفتند! معلوم نیست که خرده گیران با رسیدگی به تغذیات و تقلبات دوران طاغوت موافقند یا نه. و آیا خواست دایر به تجدید نظر در قراردادهای تحصیلسی امپریالیسم، دلیل کارشناسی و یا موافقت با امپریالیسم است، یا در جهت مبارزه ضد امپریالیسم؟ آنچه ما درباره طرح پتروشیمی ایران ژاپن نوشتیم، فقط گوشه‌ای از غارتگریهای انحصاری ژاپنی است. پس از انتشار آن مقاله، یکی از مهندسان مین دوست، جوانب دیگر «دلسوزی» انحصارهای ژاپنی را برای ما ارسال داشته که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد:

اما گروه دوم، تجهیزات مخصوص پست‌های فشار قوی است که فعلاً، باز در نتیجه کارشناسی امپریالیسم، در ایران تولید نمی‌شود. از نظر طرح، مهندسان ایرانی بارها قابلیت خود را، حتی در شرایط سخت رژیم شاه مخلوع به ثبوت رسانده‌اند. طرح پست‌ها، به طور عمده شامل طرح ساختمانها و فونداسیون‌ها، طرح سازه‌های فلزی، طرح مدارهای فشار قوی و طرح سیستمهای حفاظت و فرمان است. کلیه این امور در ایران عملی است. مهندسان ایرانی این نظر را در محاسبات و طراحی ساختمانها و فونداسیون‌ها، طرح تهران - اصفهان عملاً به ثبوت رسانده‌اند. این طرح که توسط مهندسان شرکت دولتی سبب پیاده شده، قریب دو سال است که کار می‌کند. ممکن است کسانی پیدا شوند و خرده بگیرند که این طرح اشکالاتی داشته است. ولی چه باید کرد؟ مگر طرح‌های پیاده شده از طرف انحصارهای خارجی چنین اشکالاتی ندارند و اصولاً، که چه زمان ایرانی باید خود دست اندر کار شود؟

طرح سازه‌های فلزی پست‌ها، که تجهیزات فشار قوی را روی آنها نصب می‌کنند، چندان مشکل از نظر ساختمانی نیست، و اما در زمانه طرح انحصاری (فشار قوی، فشار ضعیف، حفاظت و فرمان) باید گفت که مهندسان ایرانی تاکنون بارها طرح پست‌هایی تا ۶۳ کیلوولت را راساً تهیه کرده‌اند. این قبیل پست‌ها سالها است که

مورد بهره‌برداری واقع میشوند. در صورت خرید جداگانه لوازم فشار قوی و غیره، مهندسان، استادکاران و کارگران ایرانی قادر بودند که این بار نیز طرح، نصب، آزمایش و بهره‌برداری را خود بسپارند.

تجلیفات گسترده دوران طاغوت چنین توهمی بوجود آورده که گویا انحصارهای خارجی «تمیز» و «دلسوزانه» کار میکنند. بررسی کارهای «میتسوبیشی» نشانگر آنستکه انحصارهای خارجی، چه در طرح، چه در اجرا و چه در پیش‌بینی مسائل بهره‌برداری، تا آنجا که بتوانند، نسبت به مسائل فنی و ایمنی بی‌توجه‌اند. مثلاً، بارها دیده شده که هدف «میتسوبیشی» فقط، تحویل پست‌ها به صورتی است که در دوره تحویل موقت، اشکال عمده‌ای که موجب دروسر خوش باشد، وجود نیابد. ملاً اصول فنی و ایمنی آنطوریکه باید و شاید در نظر گرفته نمی‌شود و بسیاری از نارسائیهای هنگام بهره‌برداری بروز می‌کند. چنین نارسائیهایی هم در طرح تهران - نکا و هم در پست‌های دیگری که این انحصار ژاپنی ساخته، به چشم می‌خورد: پست‌های خوزستان - اراک نمونه جالبی در این زمینه است. اشکالاتی که در این پست‌ها مشاهده میشود آنقدر زیاد است که حتی ذکر فهرست‌وار آن‌ها در اینجا امکان‌پذیر نیست.

چنین شیوه کار مختص انحصار ژاپنی نیست و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق است. وضع اسفناک برق ایران بهره‌برداری رساند.

## درجهان سوسیالیسم

### نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی طی پنجاه سال

جدول زیر مهم‌ترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در سالهای ۱۳۰۷-۵۷ نشان میدهد. برای نمونه، چنانچه فرآورده اجتماعی ناویژه را در سال ۱۳۰۷ برابر با یک فرض کنیم، این پیکر در سال ۱۳۵۷، ۵۷ بوده، یعنی ۵۷ برابر شده است. نمودارهای دیگری نیز همین ترتیب قابل تعبیر است.

مهم‌ترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی (۱۳۰۷=۱)	۱۳۰۷	۱۳۱۹	۱۳۴۹	۱۳۵۷
فرآورده اجتماعی ناویژه	۱	۴/۵	۳۷	۵۷
درآمد ملی تولید شده	۱	۵/۱	۴۵	۶۸
تولید صنعتی ناویژه	۱	۶/۵	۷۷	۱۲۸
تولید کشاورزی ناویژه	۱	۱/۳	۲/۹	۳/۴
بازده جزئی فروشی (دولتی و تعاونی)	۱	۲/۳	۱۵	۲۳
شماره کارگران و کارمندان پارآوردی کار	۱	۳/۰	۷/۹	۹/۵
درصمت	۱	۳/۱	۱۵	۲۳
در کشاورزی	۱	۱/۷	۲/۷	۵/۹
در ساختمان	۱	۲/۵	۱۱/۱	۱۵/۵

## درجهان سرمایه‌داری

### کاهش قدرت خرید کارگران در ایالات متحده آمریکا

در اقیانوس آمریکا، قدرت خرید کارگران ایالات متحده آمریکا در ۱۶ سال پیش بنحوی بسیار کم شده است. بکنار این «وزارت کار»، درآمد کارگران در بخش خصوصی در فوریه امسال، ۷/۳ درصد کمتر از رقم فوریه ۱۹۷۹ بود. این کاهش، از زمانیکه «وزارت کار» آمریکا در سال ۱۹۶۴ شروع به انتشار آمار در باره قدرت خرید سکنه کرد، بی نظیر بوده است. کاهش قدرت خرید در ژانویه امسال، ۶/۷ درصد پیکر مشابه برای سال ۱۹۷۹ بود و در تاریخ ۱۶ ماه اخیر در مقام دوم قرار داشت. دولت آمریکا در گزارش جداگانه اعتراف کرد که، قیمت جزئی فروشی در فوریه نیز، مانند ژانویه، ۱/۶ درصد افزایش یافت.

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

جمهوری اسلامی اعلام حمایت نکرده‌اند! مگر تمام جنبشهای اسبیل آزادیبخش، تمام جنبش عظیم کمونیستی و کارگری جهان حامی انقلاب ایران نیستند؟ مگر نه اینستکه این حمایت عظیم در مقیاس بین‌المللی (از جمله وتوی شوروی در مورد تحریم اقتصادی ایران) باعث شده است که حتی در اردوی دولتهای امپریالیستی کشورهایی در تحریم اقتصادی ایران دچار تردید شوند، آنرا غیر عملی بدانند و در نتیجه هر یک بطریقی سعی کنند شاه از زیر بار آن خالی کند؟ اینها واقعیاتی است روشن‌تر از آفتاب، که در گذشته‌های مقامات مسئول و رساندهای گروهی ایران نیز کمابیش منعکس است.

آری، اگر ما جهان را منحصر به جهان امپریالیسم و زیر سلطه امپریالیسم تصور کنیم، ایران را باید تاحدودی منزوی بدانیم. از این دیدگاه آنگاه متلماً این نتیجه میرسیم که باید دوباره مانند گذشته باب مداخلات یکجانبه و ناپس‌انداز اقتصادی و بازرگانی خود را با دولتهای امپریالیستی و شرکتها و انحصارات جهان امپریالیسم بگشاییم. آنگاه ما بجای اینکه اعتراض کنیم که: چرا کالاهای آمریکایی با قیمتی ۱۰ الی ۲۰ درصد گرانتر، از کشور ثالثی به ایران وارد میشود، و مجدانه بخواهیم که

باین «قاجاق» پایان داده شود، مستترش خواهیم بود که چرا مستقیماً مانند گذشته، با آمریکا معامله نمیکنیم؟ آنگاه ما بجای تقاضای قطع هرگونه معامله یکجانبه نابرابر با آمریکا، تقاضا خواهیم کرد که مناسبات ما با آمریکا مجدداً مانند گذشته، برقرار شود و برای رسیدن باین مقصود، پیشنهاد خواهیم داد که «گروگانها» محاکمه نشوند، آزاد شوند و این مانع از سر راه تجدید مناسبات با آمریکا برداشته شود!

اگر با پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها» مقصود ما بازگشت به مناسبات گذشته با آمریکا نیست، بلکه خواهان برقراری مناسبات، برپایه شناخت حق حاکمیت و استقلال ما، برپایه حقوق برابر و سود عادلانه متقابل است، آنگاه ما در طرح پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها» اشتباه کرده‌ایم. باین دلیل ساده که آمریکا نه «گروگانها» ایران را میخواهد.

هدف آمریکا بازنی گرفتن ایران است، نه «گروگانها». «گروگانها» تنها «بهبانه» است، که اگر این «بهبانه» نبود، «بهبانه» دیگری تراشیده میشد. قبل از گروگانها

باین همان خط «گام به گام» نیست؟! (بقیه)

بود که آمریکا توطئه گریبای خود را برای درهم شکستن انقلاب ایران چنان موفقیت آمیز می‌نهادند، که شاه مخلوع را به آمریکا برد تا نشان دهد که کماکان حامی او و رژیم اوست و مجدداً می‌تواند در ایران مستقر شود. این امیدواری همه میدانیم و همه میدانند. حاصل سیاست سازشکارانه «گام به گام» بود، که راه بازگشت ضدانقلاب «مزد» را هموار می‌کرد.

«گروگانگیری» راه را بر سیاست «گام به گام» بست، پشت محکم بر دهن امپریالیسم یانکی کوبید، نشان داد که شعار «بهد از شاه نوبت آمریکاست»، شعار بی‌برگشت انقلاب ایران است، ثابت کرد که خلق بیخاسته ایران قدرت و شور انقلابی خود را از دست نداده است، آشکار کرد که خلق رزمنده ایران، به رهبری امام خمینی، صمیمیت قاطع دارد که «انقلاب دوم را» که بزرگتر از انقلاب اول است» به پیروزی برساند.

باقی میماند این نظر عجیب که، هدف تجاوز نظامی آمریکا بایران مربوط به موفقیت و برنامه انتخاباتی کارتری بوده

تمام امکانات و وسائلی را که در اختیار دارد، تاکنون بکار برده و در آینده نیز بکار خواهد برد.

ما با امپریالیسم آمریکا - این دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - در نبرد حیاتی و عماتی هستیم و با خط «گام به گام» نمیتوان بر این دشمن غدار و حیل‌گر پیروز شد، ولی میتوان راه را بر ضد انقلاب «مزد» گشود، که حاصل تسهائی آن بازگشت رژیم سرنگون شده در شکل و شمایل دیگری خواهد بود. ما برای پیروزی در این نبرد حیاتی و عماتی، یک راه بیشتر نداریم، و آن مبارزه قاطع و تا آخر آتش - ناپذیر با امپریالیسم بطور کلی و بویژه با امپریالیسم آمریکا است. ما در این نبرد میتوانیم و باید پیروز شویم، زیرا مسئله بر سر مرگ و زندگی، بر دگی و استقلال ما است.

ما در این نبرد حیاتی و عماتی باید و میتوانیم پیروز شویم، چون توده‌های میلیونی خلق ما حاضر به هرگونه فداکاری برای نيل به این پیروزی هستند. و ما در جهان نیز ابداً منزوی نیستیم، برعکس، جنبه عظیم نیروهای ضد امپریالیست در سراسر جهان پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قییت و تحکیم و پیروزی نهائی است.

است!

این نظر، حتی از دعوی دروغین تبلیغاتی خود آمریکا، که مدعی است تهاجم نظامی برای رهائی «گروگانها» بوده است، یک گام عقب‌تر است.

نقشه افشا شده این تهاجم نظامی تردیدی باقی نمیگذارد که این تهاجم نظامی، نه برای رهائی «گروگانها» (که تازه اگر بود، غیرقانونی و غیرانسانی، می‌بود) و نه بطریق اولی برای «موقیبت و برنامه انتخاباتی کارتری» بوده است (کارتری می‌آیند و می‌روند و امپریالیسم آمریکا و هدفهای جهان - خوارش باقی است)، بلکه بنا به اعلام رسمی مقامات مسئول دولتی ایران - از جمله شخصی ریاست جمهوری - برای انهدام انقلاب ایران انجام گرفت.

(آیا بیانات نماینده رسمی دولت ایران در سازمان ملل متحد، لاقال نیایستی‌انگاسی از نظر رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران باشد؟)

بالاخره باید این واقیعت را دید که هدف آمریکا انهدام انقلاب ایران است و دولت آمریکا، برای دسترسی باین هدف،

شماره‌های گذشته نامه «مردم» از شماره یک تا صد برای فروش به طور تک شماره آماده است

بدفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلیل کوتاگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می‌توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ صبح و از ۲ تا ۴ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



# مهندسان و کارگران ایرانی میتوانند اداره مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را بر عهده گیرند

## درجهان سوسیالیسم

### نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی طی پنجاه سال

جدول زیر مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در سالهای ۱۳۰۷-۱۳۰۷ نشان میدهد. برای نمونه، چنانچه فرآورده اجتماعی ناویژه را در سال ۱۳۰۷ بر این بایک فرض کنیم، این یکمدرسال ۵۷۰۱۳۵۷ بوده، یعنی ۵۷ برابر شده است. نمودارهای دیگر نیز به همین ترتیب قابل تمییز است.

مهمترین نمودارهای رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی (۱۳۰۷=۱)

۱۳۰۷	۱۳۴۹	۱۳۱۹	۱۳۰۷
۵۷	۳۷	۴/۵	۱
۶۸	۴۵	۵/۱	۱
۱۲۸	۷۷	۶/۵	۱
۳/۴	۲/۹	۱/۳	۱
۲۳	۱۵	۲/۳	۱
۹/۵	۷/۹	۳/۰	۱
۲۳	۱۵	۳/۱	۱
۵/۹	۲/۷	۱/۷	۱
۱۵/۵	۱۱/۱	۲/۵	۱

## درجهان سرمایه داری

### کاهش قدرت خرید کارگران در ایالات متحده آمریکا

در اثنای تورم توافقی، قدرت خرید کارگران ایالات متحده آمریکا در ۱۶ سال پیش پنجمین بار در دهه گذشته کاهش یافته است. گزارش وزارت کار، درآمد کارگران در بخش خصوصی در فوریه امسال، ۷/۳ درصد کمتر از رقم فوریه ۱۹۷۹ بود. این کاهش، از زمانیکه وزارت کار آمریکا در سال ۱۹۶۴ شروع به انتشار آمار در باره قدرت خرید سکنه کرد، بی نظیر بوده است. کاهش قدرت خرید در ژانویه امسال، ۶/۷ درصد یکمراهه برای سال ۱۹۷۹ بود و تاریخ ۱۶ ساله اخیر در مقام دوم قرار داشت. دولت آمریکا دوگزارش جداگانه اعتراف کرد که قیمت جزئی فروشی در فوریه نیز، مانند ژانویه، ۱/۶ درصد افزایش یافت.

اما گروه دوم، تجهیزات مخصوص پستهای فشار قوی است که فعلا، باز در نتیجه کارشناسی امپریالیسم، در ایران تولید نمی شود.

از نظر طرح، مهندسان ایرانی بارها قابلیت خود را، حتی در شرایط سخت رژیم شاه مخلوع به ثبوت رسانده اند. طرح پستهای به طور عمده شامل طرح ساختمانها و فونداسیونها، طرح سازه های فلزی، طرح مدارهای فشار قوی و طرح سیستمهای حفاظت و فرمان است. کلیه این امور در ایران عملی است. مهندسان ایرانی این نظر را در محاسبات و طراحی ساختمانها و فونداسیونهای طرح تهران - اسفهان عملا به ثبوت رسانده اند. این طرح که توسط مهندسان شرکت دولتی مهاباد پیاده شده، قریب دو سال است که کار می کند. ممکن است کسانی پیدا شوند و خرده بگیرند که این نوع طرحها به انحصارهای امپریالیستی باسلاح عدم پیشی فنی مهندسان و استادکاران ایرانی ذکر می شود. حال به بنییم آیا این ادعا صحت دارد؟

از نظر ساخت و مسائل و تجهیزات، پستهای فشار قوی به دو گروه تقسیم می شوند. گروه اول آنهاست هستند که در دیگر موسسات صنعتی و حتی غیرصنعتی هم مورد استعمال دارند و بسیاری از آنها در حال حاضر در ایران تولید می شوند. ولی شرکت ژاپنی هم این مسائل (در مواردی حتی در وینچره و میخ را) از کشور خودی وارد می کند.

در مجموع خود، که زائیده وضع ناسامان تک-تک نیروگاهها، پستها، خطوط انتقال و غیره است، گواه گویایی بر صحت این نظر است.

انحصار ژاپنی «میتسوبی» بخش اعظم کارهای اجرایی را به مقاصد کاران دست دوم از قبیل شرکت ایتالیایی «سادل» شرکت سنگاپوری «مورنک» و شرکت های کوچک ایرانی سپرده است. این شرکتها نیز به نوبه خود، کار را به پیمانکاران دیگری محول کرده اند که تاگزیر کیفیت کار را پایین می آورد.

چنین است گوشه دیگری از عملکرد انحصارهای ژاپنی در ایران. حال اگر گفته شود، که این قرارداد باید ملغی شود به معنای آنستکه مجموعه کار باید متوقف گردد؛ بدیهی است منظور از لغای قرارداد، قطع دست انحصارگران خارجی و سپردن اداره امور بدست ایرانیها است. آیا مهندسان و کارگران ایتالیایی و سنگاپوری دلسوزی از مهندسان و کارگران ایرانی هستند؛ آنها که متخصصین ایرانی می توانند خود اجرای طرحها را به عهده گیرند، لزومی به وجود انحصارهای خارجی نیست. و اما در مورد مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن نیز هدف لغای قرارداد مربوط به سهم شدن انحصارهای ژاپنی بود. روشن است، که موسسه پتروشیمی را میتوان بدون کمک ژاپنی نیست و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق است. وضع اسفناک برق ایران بخورد. پستهای خوزستان - آراک نمونه جالبی در این زمینه است. اشکالاتی که در این پستها مشاهده میشود آنقدر زیاد است که حتی ذکر فهرست وار آنها در اینجا امکان پذیر نیست.

چنین شیوه کار مخص انحصار ژاپنی نیست و در مورد دیگر انحصارهای خارجی نیز صادق است. وضع اسفناک برق ایران بخورد. پستهای خوزستان - آراک نمونه جالبی در این زمینه است. اشکالاتی که در این پستها مشاهده میشود آنقدر زیاد است که حتی ذکر فهرست وار آنها در اینجا امکان پذیر نیست.

قراردادهای یک جانبه تحصیل شده از جانب انحصارهای تک ملیتی و چندملیتی یکی دیگر از مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. هم اکنون در طرح پتروشیمی لاتسام در سراسر کشور وجود دارد، که در صورت تعیین تکلیف آنها، میتواند گرهی از مشکل اشتغال بگشاید.

چندی پیش ما درباره یکی از این قراردادها - مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن، در نامه «مردم» نوشتیم و با ارائه ارقام انکارناپذیر خصلت نواستعماری آنها قاش ساختیم. در این مقاله ما خواستار لغای قرارداد شدیم. متأسفانه برخیها مسئله لغای قرارداد را با ادامه کار ساختمان این مجتمع بسزیرگ «اشتباه» کردند و به ما خرده گرفتند! معلوم نیست که خرده گیران با رسیدگی به تخطات و تقلبات دوران طاغوت موافقند یا نه. و آیا خواست دایر به تجدید نظر در قراردادهای تحمیلی امپریالیسم، دلیل کارشناسی و موافقت با امپریالیسم است، یا در جهت مبارزه ضد امپریالیسم؟ آنچه ما درباره طرح پتروشیمی ایران ژاپن نوشتیم، فقط گوشه ای از غارتگریهای انحصارهای ژاپنی است. پس از انتشار آن مقاله، یکی از مهندسان مین دوست، جوانب دیگر «دلسوزی» انحصارهای ژاپنی را برای ما ارسال داشته، که در زیر از نظر خواننده گلان میگذرد:

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

## این همان خط «گام به گام» نیست؟! (بقیه)

بود که آمریکا توطئه گریهای خود را برای درهم شکستن انقلاب ایران چنان موفقیت آمیز می نداشت، که شاه مخلوع را به آمریکا برد تا نشان دهد که کماکان حامی او رژیم اوست و مجدداً می تواند در ایران مستقر شود. این امیدواری - همه میدانیم و همه میدانند - حاصل سیاست سازشکارانه «کامپاک» بود، که راه بازگشت ضدانقلاب «خزنده» را هموار می کرد.

«گروگانگیری» راه را بر سیاست «کامپاک» بست، شش محکم بر دهن امپریالیسم پانکی کوبیده، نشان داد که شمار «بعد از شاه نوبت آمریکاست»، شمار بسی برگشت انقلاب ایران است، ثابت کرد که خلق به خاسته ایران قدرت و شور انقلابی خود را از دست نداده است، آشکار کرد که خلق رزمنده ایران، به رهبری امام خمینی، تصمیم قاطع دارد که «انقلاب دوم» را، که بزرگتر از انقلاب اول است به پیروزی برساند.

باقی میماند این نظر عجیب که، هدف تجاوز نظامی آمریکا بایران مربوط به «موقیت و برنامه انتخاباتی کاتر» بوده

باین «قاچاق» پایان داده شود، مسترض خواهیم بود که چرا مستقیماً مانند گذشته، با آمریکا معامله نمیکنیم؟ آنکه ابجای تقاضای قطع هرگونه معامله یکجانبه نابرابر با آمریکا، تقاضا خواهیم کرد که مناسبات ما با آمریکا مجدداً مانند گذشته، برقرار شود و برای رسیدن باین مقصود، پیشنهاد خواهیم داد که «گروگانها» محاکمه نشوند، آزاد شوند و این مانع از سر راه تجدید مناسبات با آمریکا برداشته شود!

اگر با پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها»، مقصود ما بازگشت به مناسبات گذشته با آمریکا نیست، بلکه خواهان برقراری مناسبات، بر پایه شناخت حق حاکمیت و استقلال ما، بر پایه حقوق برابر و سود عادلانه متقابل است، آنکه ما در طرح پیشنهاد آزاد کردن «گروگانها» اشتباه کرده ایم. باین دلیل ساده که آمریکا نه گروگانها، ایران را میخواهد.

هدف آمریکا بایران گرفتن ایران است، نه «گروگانها». «گروگانها» تنها «بهبانه» است، که اگر این «بهبانه» بود، «بهبانه» دیگری تراشیده میشد. قبل از گروگانها

تمام امکانات و وسائلی را که در اختیار دارد، تاکنون بکار برده و در آینده نیز بکار خواهد برد.

ما با امپریالیسم آمریکا - این دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - در نبرد حیاتی و ممانتی هستیم و با خط «گام به گام» نمیتوان بر این دشمن غدار و حیل گر پیروز شد، ولی میتوان راه را بر ضدانقلاب «خزنده» گشود، که حاصل نسباتی آن بازگشت رژیم سرنگون شده در شکل و شمایل دیگری خواهد بود. ما برای پیروزی در این نبرد حیاتی و ممانتی، یک راه بیشتر نداریم، و آن مبارزه قاطع و تا آخر است - ناپذیر با امپریالیسم بطور کلی و پیروزی با امپریالیسم آمریکا است. ما در این نبرد میتوانیم و باید پیروز شویم، زیرا مسئله بر سر مرگ و زندگی، بر دگی و استقلال ما است.

ما در این نبرد حیاتی و ممانتی باید و میتوانیم پیروز شویم، چون توده های میلیونی خلق ما حاضر به هرگونه فداکاری برای نيل به این پیروزی هستند. و ما در جهان نیز اینها متزوی نیستیم، برعکس، جبهه غلیم نیروهای ضد امپریالیست در سراسر جهان پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تثبیت و تحکیم و پیروزی نهایی آست.

شماره های گذشته نامه «مردم» - از شماره یک تا صد - برای فروش به طور تک شماره آماده است

به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلائل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱ تا ۹ صبح و از ۱ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

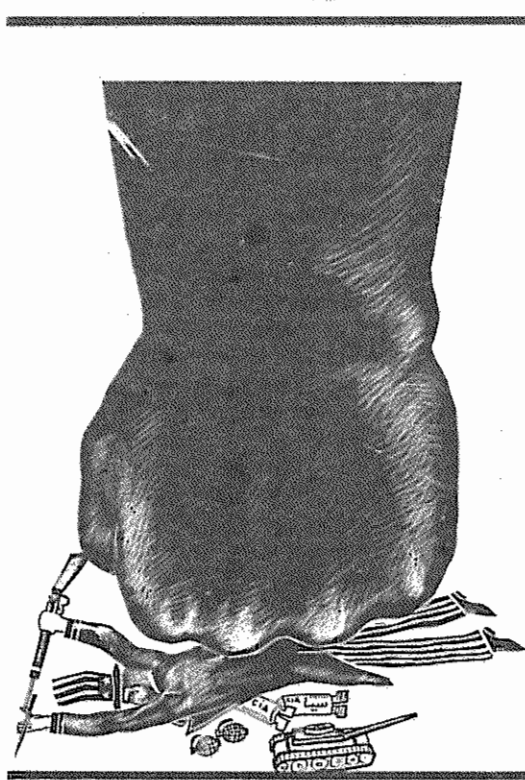
نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

# گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



مطبوعات آمریکا به شکست کارزار تحریم آمریکا علیه المپیک مسکو اعتراف میکنند

انتشار فهرست کشورهای شرکت کننده در بیست و دومین دوره بازیهای المپیک در مسکو توسط کمیته بین المللی المپیک، مطبوعات آمریکایی را جداً تحت تأثیر قرار داده است. مفسران ورزشی و ناظران سیاسی با اتفاق آراء اعتراف میکنند که مبارزه بیست و دومین دوره بازیهای المپیک در مسکو با این کشورها به تحریم وادارند و بازبازارها به تأخیر اندازد.



شوخی نیست...!

اسلام آمریکایی

رژیم دیکتاتوری نظامی پاکستان با صدور سلسله دستوراتی در جهت مانع شدن از مخالفت سیاسی مردم، اختیارات دادگاههای نظامی را افزایش داد و در اساس دستورات مزبور، که فرمان نظامی شماره ۷۸ خوانده می شود، هر کسی را که خطری متوجه امنیت کند، می توان بطور نامحدود بدون توضیحی توقیف کرد.

مسلمانان پاکستان با ضیاءالحق

رهبر جماعت اسلامی پاکستان در مصاحبه ای با کیهان گفته است: «ما از دولت فلی ضیاءالحق حمایت نمیکنیم».

مسلمانان واقعی اسلام آمریکایی را می شناسند

جلاد ساواک زجر کشیده!

کمال، جلاد معروف ساواک، ضمن دفاع از خود گفت: «هیچکس در ساواک به اندازه من زجر و محرومیت تکنیک آه زن و فرزند نه یون که ساواک را نابود کرد».

اقتصاد وابسته

در سال گذشته: «فروش شرکت آلفانی «سالتس گیت» به ایران به میزان ۹۰ میلیون دلار بود».

نتیجه محاصره اقتصادی

وزیر بازرگانی گفته است: «پنج ماه پیش که اتحادیه کارگران کشتی در آمریکا تصمیم گرفتند که برای ایران محصولات حمل نکنند، همیشه واسطه هایی پیدا شده اند که بار مورد خواسته ما را از طریق مختلف به ما برسانند».

گروهکهای شناخته و ناشناخته

روزنامه مائوئیستی «رنجر» با باصلاح گروه انقلابی خلق-های افغانستان محاصره تریب داده و در طی آن از قول آنها گفته:

کمبود فیلم رادیولوژی در بیمارستانها، مشکلات فراوانی ایجاد کرده است

کمبود فیلم رادیولوژی در بیمارستان مسند و همچنین بیمارستانهای خورشید، فیض و امین که زیر پوشش دانشگاه اصفهان قرار دارند، مشکلات فراوانی ایجاد کرده است. مدتی است بیماریها که به بیمارستانهای فوق مراجعه می کنند، به دلیل کمبود فیلم رادیولوژی به مراکز خصوصی فرستاده میشوند.

حمله عناصر مشکوک به محل فروش نشریات حزب توده ایران در گلپایگان

به دنبال حمله عناصر مشکوک به محل فروش نشریات حزب توده ایران در گلپایگان، از طرف هواداران حزب در این شهر اطلاعیه ای صادر شد.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در سوئد: آمریکا باید نیروهای خود را از خلیج فارس خارج کند

اصول حقوق بین المللی و نیز بنانه بسیاری از طریقین مردم ایران، مردم کشورهای همسایه ایران و تمام انسانهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان است، اقدام مذکور با در نظر گرفتن تهدیدهای مکرر دولت آمریکا در مورد بکار بردن عملیات نظامی علیه ایران، همزمان با تمرکز ناوگان آمریکا در خلیج فارس از جمله داشتن چهار ناو هواپیمابر مجهز به سلاح های اتمی، بوزه خطی ناگ نظر میاید.

رویدادهای ایران

افغانی های به اصلاح مبارز مخالف سازمان آزادیبخش فلسطین هستند

طبق خبرهای رسیده، گروهی از دانشجویان افغانی، کدر دانشگاه مشهد مشغول تحصیل هستند، علیه دانشجویان فلسطینی دست به تبلیغات میزنند و مانع فعالیت آنها می شوند.

نصب اعلامیه گروهک مائوئیستی در سازمان گوشت کشور!

اعلامیه گروهک مائوئیستی و ضد انقلابی «کشف اسبون دانش آموزان و دانشجویان ایرانی» به دستور مدیرعامل سازمان گوشت کشور در تابلهای این سازمان نصب شده است.

مردم اهواز خواستار تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی شدند

مردم اهواز روز ۷ خرداد، ضمن شرکت در یک راهپیمایی خواستار تشکیل ارتش بیست میلیونی جهت بسیج علیه امپریالیسم جهانخوان آمریکا شدند.

این مبارزان افغانی! کیستند؟

بر اساس اطلاعات رسیده، افغانی ها که اخیراً به آبیق قزوين آمده اند، بسیار مشکوک به نظر می رسند و در پاسخ به این سؤال که «اهل کجا هستید» گاه خود را افغانی می خوانند و گاه پاکستانی و گاه با کنجکوی بیشتر ایرانی ها رو برو می شوند، بلافاصله میگویند «شما جیبی هستید، شب می آیم سرتان را می بریم»!

MARDOM No. 249 2 June 1980 Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts. Sweden 1.50 Skr.